

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.266417.1437>
The discourse of moderation from formation to dislocation

Every discourse is exposed to dislocation and instability after emergence and hegemony. The purpose of this study is to study and analyze the discourse of moderation. In the present article, an attempt has been made to answer the questions of what factors played a role in the formation of the discourse of moderation by using the method of Laclau and Mouffe discourse analysis and data collection by library and documentary methods. And then to answer the main question, why did the discourse of moderation falter? The findings of the article show that the initial formation of this discourse was the result of unrest and hesitation in the dominant and rival discourse and at the same time the emergence of a new political subject in the country's political arena, which was able to move from "right to left" in a strategic move. It gained the support of elites and political groups opposed to the rival discourse and formed the basic nuclei of the discourse of moderation. But in the continuation of this discourse, due to the weakness of the power of discourse and the lack of new elements and concepts to create a chain of equivalence and create a new and cohesive communication identity, succeeded in cohesion and unity between political groups and pro-sectarian sections of society to pursue goals. It was not considered and finally it was shaken and could not become hegemonic in the political arena of the country in the long run.

Keywords: Laclau and Mouffe, discourse, moderation, identity, power, Cohesion, dislocation

گفتمان اعتدال از شکل‌گیری تا افول

نصرالله نخعی زرنندی^۱

حسین معین‌آبادی^۲

جلال میرزایی^۳

مهناز احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

هر گفتمانی پس از ظهور و هژمون شدن در معرض افول و تزلزل قرار می‌گیرد. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل گفتمان اعتدال است. در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی به این سوالات پاسخ داده شود که چه عواملی در شکل‌گیری گفتمان اعتدال نقش داشتند؟ و در ادامه به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که چرا گفتمان اعتدال دچار تزلزل شد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد شکل‌گیری اولیه این گفتمان حاصل بی‌قراری و تزلزل در گفتمان مسلط و رقیب و همزمان با آن ظهور سوژه سیاسی جدید در عرصه سیاسی کشور بود، که توانست در یک حرکت استراتژیک از «راست به چپ» حمایت نخبگان و گروه‌های سیاسی مخالف گفتمان رقیب را بدست آورد و هسته‌های اولیه گفتمان اعتدال را شکل دهد. اما در ادامه این گفتمان به علت ضعف قدرت گفتمان‌سازی و عدم ایجاد عناصر و مفاهیم جدید جهت ایجاد زنجیره هم‌ارزی و خلق هویت ارتباطی جدید و منسجم موفق به انسجام و وحدت بین گروه‌های سیاسی و بخش‌های طرفدار خود در جامعه برای پیگیری اهداف مد نظر نشد و در نهایت دچار تزلزل گردید و نتوانست در بلند مدت در عرصه سیاسی کشور هژمون شود.

کلمات کلیدی: لاکلا و موفه، گفتمان، اعتدال، هویت، قدرت، انسجام، تزلزل

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی گرایش اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره)

^۲ استادیار بخش علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار بخش علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

^۴ فارغ‌التحصیل ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر.

بعد از حاکم شدن گفتمان^۱ اسلام‌گرا بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، از ابتدای دهه شصت تا به حال گفتمان‌های مختلفی ذیل گفتمان مسلط یا همان گفتمان اسلام سیاسی در جمهوری اسلامی ظهور یافته که هر کدام از آنها با توجه به فضای سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی حاکم بر کشور و جامعه توانسته‌اند با استفاده از مفاهیم و عناصر به محاق رفته و به حاشیه رانده شده مفصل بندی^۲ جدیدی را ایجاد کرده و گفتمان خود را غالب کنند. چنانچه گفتمان سازندگی با تاکید بر سازندگی و تعادل اقتصادی جایگزین گفتمان عدالت اجتماعی گردید و در ادامه گفتمان اصلاحات با تاکید بر دال خالی گفتمان سازندگی یعنی توسعه سیاسی توانست جایگزین این گفتمان شود و در نهایت گفتمان اصولگرایی عدالت محور با تاکید بر دال خالی عدالت توانست بر دو گفتمان سازندگی و اصلاحات مسلط شود. در سال ۱۳۹۲ با شروع انتخابات ریاست جمهوری گفتمان جدیدی تحت عنوان گفتمان اعتدال توسط حسن روحانی وارد ادبیات سیاسی کشور گردید.

عدم ثبات و متزلزل بودن؛ از ویژگی بارز گفتمان‌هاست. چنانکه مشاهده می‌شود در طول چهار دهه انقلاب اسلامی شاهد ظهور و افول گفتمانهای متعددی در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور هستیم، به طوری که بعضی از آنها توانستند در مدت زمان معین به گفتمان هژمون و غالب تبدیل شوند و بعضی از آنها در همان ابتدای شکل‌گیری خود دچار تزلزل شدند، و یا نتوانستند به صورت کامل و گسترده به عنوان یک گفتمان مسلط در سطح کشور و جامعه سلطه پیدا کنند. بنابراین متزلزل شدن و به حاشیه رفتن گفتمان‌ها متعدد در طول چهار دهه انقلاب اسلامی باعث شده است که بررسی دلایل افول و یا ضعف این گفتمان‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی توسط پژوهشگران علوم سیاسی و جامعه‌شناسان سیاسی ضرورت پیدا کند.

تحلیل گفتمان روش و نظریه‌ای است که تمرکز آن مفاهیمی همچون قدرت، هویت و مفصل بندی و... قرار دارد. تاکنون از گفتمان به مثابه یکی از روش‌های کیفی در تحلیل قدرت برای حوزه‌های مختلف از جمله علوم سیاسی استفاده زیادی شده است. روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه کاربردی ترین روش تحلیل گفتمان می باشد. از نظر لاکلا و موفه گفتمان زبان دارای وجه هستی شناختی است و گفتمان محصول مفصل بندی است. بنابراین این پژوهش سعی دارد با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه و روش تحلیل گفتمان به این سئوالات اصلی پاسخ دهد: گفتمان اعتدال چگونه در کشور شکل گرفت؟ و چه عواملی باعث افول گفتمان اعتدال شد؟ به طور کلی هدف این پژوهش آسیب شناسی گفتمان اعتدال می باشد. پژوهش حاضر شامل دو بخش است. در بخش اول تحلیل گفتمان آورده شده است. در بخش دوم ابتدا به نحوه شکل‌گیری گفتمان اعتدال و در ادامه به دلایل تزلزل و افول آن می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه گفتمان اعتدال و نحوه شکل‌گیری و نیز رویکرد اعتدال در مسائل خارجی و یا داخلی پژوهش‌های در قالب کتاب و مقاله نوشته شده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

^۱ . Discourse

^۲ . Articulation

«گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مبانی گفتمانی دکتر حسن روحانی در سیاست خارجی» عنوان کتابی است که توسط سید باقر قیاسیان و پرویز اسماعیلی و عبدالله گیویان در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. مقدمه کتاب در مورد پیشینه و ریشه‌های اعتدال در فرهنگ ایرانی ارائه شده است. به طوری که اعتدال را رویکردی خردورزانه، فعالانه و صبورانه برای جامعه به منظور دور شدن از ورطه افراط و تفریط بیان می‌کند. این کتاب از دو بخش گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم و رویکرد اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم تشکیل شده است. در مجموع این کتاب به سیاست خارجی دولت یازدهم تدبیر و امید و نوع نگاه دکتر حسن روحانی به سیاست خارجی و نوع رابطه ایران با کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان پرداخته است (قیاسیان و دیگران، ۱۳۹۶).

«تحلیل گفتمانی- تاریخی سخنرانی‌های دو رئیس جمهور در سازمان ملل» عنوان مقاله‌ای است که توسط مینو عالمی و دیگران در سال ۲۰۱۸ به چاپ رسیده است، در این پژوهش نگارنده با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل دو گفتمان سخنرانی‌های دکتر احمدی‌نژاد و دکتر روحانی و اشتراکات و اختلافات این دو نوع گفتمان می‌پردازد (Alemi and Other, ۲۰۱۸).

مقالات و آثاری متعددی در مورد گفتمان اعتدال به رشته تحریر درآمده است، که عمدتاً به نحوه شکل‌گیری و توصیف ویژگی‌های این گفتمان و نیز رویکرد این گفتمان و دیدگاه‌های دکتر حسن روحانی در مسائل مختلف داخلی و خارجی پرداخته‌اند. اما هیچکدام به طور اخص به بررسی آسیب‌شناسی گفتمان اعتدال پرداخته‌اند. بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر جدید می‌باشد

۱- تحلیل گفتمان: چهارچوب نظری و روش پژوهش

تحلیل گفتمان در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار ترجمه شده، در متون سیاسی، روش و نظریه‌ای است که تمرکز آن مفهوم «قدرت/ دانش» قرار دارد. این قرائت از گفتمان به مثابه یکی از روش‌های کیفی در تحلیل قدرت برای حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان شناسی انتقادی تا کنون به کار رفته است. از کاربردی‌ترین روش‌های این نظریه می‌توان به روش تحلیل لاکلا و موفه^۱ اشاره کرد که به چگونگی کسب قدرت و حفظ آن می‌پردازد (سمیعی و کیانی، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

۱-۱- گفتمان

گفتمان، اصطلاحی است که مواجهه با کثرت معانی است. مشیرزاده، گفتمان را «مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای به هم پیوسته می‌داند که براساس آن مشروعیت و امکان ظهور و بروز این گزاره‌ها مشخص می‌شود» (Moshirzadeh, ۲۰۰۷: ۵۲۲). یورگنسن و فیلیپسن گفتمان را اینگونه تعریف می‌کنند: «گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (یورگنسن و فیلیپسن، ۱۳۸۹: ۱۷۹). وان دایک نیز گفتمان را اینگونه تعریف می‌کند: «گفتمان هم صورتی خاص از گفتمان زبان است و هم صورتی خاص از گفتمان اجتماعی؛ گفتمان یک رویداد ارتباطی کامل در یک وضعیت اجتماعی است» (Van dijk, ۱۹۸۹: ۱۶۶). در نظریه گفتمان، زبان به صورت هستی‌شناختی مهم است؛ تنها از طریق ساخت زبانی است که پدیده‌ها، سوبیه‌ها، ابژه‌ها، دولت‌ها و ساختارهای مادی معنا و هویتی خاص می‌یابد (Hansen, ۲۰۰۶: ۱۶).

۱-۲- نظریه گفتمان لاکلا و موفه

^۱ Laclau and Mouffe

لاکلا و موفه از جمله نظریه پردازان گفتمان با گسترش مدل زبان‌شناسی سوسور به عرصه فهم فرآیندهای اجتماعی و سیاسی پرداختند (جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰: ۲۹). آنها در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی گفتمان را کلیت ساختار شده‌ای می‌دانند که از عمل مفصل بندی به دست می‌آید (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۳: ۹۰). عناصری که عنصر اساسی در هر مفصل بندی گفتمانی «دال مرکزی» است (روحانی، ۱۳۹۱: ۹). دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). بر این اساس گفتمان تلاش می‌کنند تا با کاهش چند معنایی دال‌ها به یک معنای تثبیت شده، عناصر را به دقایق تبدیل نماید و تبدیل عناصر به دقیقه از طریق تثبیت نسبی معنا حول دال مرکزی میسر می‌گردد (لاکلا و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۳). در مقابل، دال‌های شناور، نشانه‌هایی هستند که فاقد معنای مشخص بوده و سبب سردرگمی و ابهام می‌شوند (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۴۷).

حوزه گفتمانی یکی دیگر از مفاهیم تحلیل گفتمان است. لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند را، حوزه گفتمانی می‌نامند (Laclau & Muffe, ۱۹۸۵: ۱۱۱). که عبارت است از؛ محفظه‌ای از معنای اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند، و از طرف دیگر مواد خامی برای مفصل بندی‌های جدید مهیا می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۶۰۵). یک هفته^۱ پیش از ورود به یک مفصل بندی گفتمانی، در حوزه گفتمانی قرار دارد و عنصر نامیده می‌شود. عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز ذیل یک گفتمان قرار نگرفته و در واقع از گفتمان مورد نظر طرد شده‌اند، اگر چه این طرد شدن موقت است (Jorgensen and Phillips, ۲۰۰۲: ۲۴)

مفهوم خصومت^۲ دارای جایگاه محوری در نظریه لاکلا و موفه است. ایجاد روابط تضادآمیز و تأسیس مرزهای سیاسی محور تثبیت در صورت بندی‌های گفتمانی و عاملان و کارگزاران اجتماعی است. تجربه ضدیت طلعه‌ای بر احتمال پیدایش هویت است. ضدیت‌ها در نظریه گفتمان به این دلیل رخ می‌نمایند که، اکتساب یک هویت کامل و اثباتی برای کارگزاران و گروه‌های اجتماعی ناممکن است (فیرحی، ۱۳۸۲: ۵۶). در نظریه لاکلا و موفه، غیریت ما را به مفهومی دیگر نیز رهنمون می‌کند که از آن با نام منطق تفاوت یاد می‌شود. منطق تفاوت، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. در اینجا خصومت و غیریت برجسته می‌شود. اما منطق یا زنجیره هم ارزی^۳، منطق ساده سازی فضای سیاسی است (De-vos, ۲۰۰۳: ۱۶۵).

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در نظریه گفتمان لاکلا و موفه، قدرت است. تعریف لاکلا و موفه از قدرت، وامدار تعریف فوکو از قدرت است. فوکو قدرت را به مثابه مویرگهای پراکنده در سراسر جامعه می‌داند که در دست گروه یا حزبی واقع نمی‌گردند. قدرت جامعه، سوژه‌ها و کل حیات را تحت تاثیر خویش قرار می‌دهد و آن را معنادار می‌کند. هیچ گاه نمی‌توان جامعه‌ای فارغ از قدرت تصور کرد. بنابراین، در منازعات سیاسی اجتماعی، گفتمانی به پیروزی می‌رسد که قدرت بیشتری برای هژمونیک کردن خود داشته باشد. البته این قدرت برخاسته از میزان توانایی یک گفتمان در برجسته کردن نظام معنایی خود و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب است. قدرت از نگاه آنها نه تنها مخرب نیست، بلکه می‌تواند مولد و سازنده هم باشد. قدرت جامعه را منظم و برای ما قابل سکونت نماید (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). بنابراین از نظر لاکلا و موفه، قدرت

^۱. Nodel Point

^۲. Moments

^۳. Antagonism

^۴. Equivalence

عبارت است از: «قدرت تعریف کردن، و تحمیل این تعریف در برابر هرآنچه آن را نفی می‌کند. قدرت عبارت است از جعل یا ساختن سمبل‌ها و هر آنچه بر طبق نظریه لاکلا و موفه تأثیراتی در جهان مادی دارد.» (نش، ۱۳۹۶: ۴۸).

هژمونی^۱ یکی دیگر از مفاهیم نظریه لاکلا و موفه می‌باشد برای لاکلا و موفه هژمونی شکلی از اعمال گفتمانی است. عمل هژمونیک معطوف به ایجاد اجماع و عقل سلیم است؛ اما این اعمال هژمونیک همیشگی نیستند و همواره از سوی گفتمان‌های رقیب تهدید می‌شوند. لاکلا و موفه از مفهوم از جاشدگی^۲ برای توضیح لحظه به چالش کشیده شدن هژمونی گفتمان حاکم و ظهور بحران در آن استفاده می‌کنند. از جاشدگی به موقعیتی اشاره دارد که هژمونی گفتمان حاکم به دلیل ناتوانی آن در هویت دهی به نیروهای اجتماعی و معنادار کردن پدیده‌های اجتماعی با چالش مواجه شده است (Laclau, ۱۹۹۰: ۴۲-۴۴).

۱-۲- عوامل هژمونیک‌ساز گفتمان

لاکلا و موفه تلاش می‌کنند تا ساخت هژمونیک را به صورت یک فرآیند درک و تحلیل کنند. برای این منظور، آنها از دو مفهوم اسطوره و تصویر اجتماعی بهره می‌گیرند (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۳: ۲۶). از آنجا که اسطوره‌ها محصول بی‌قراری‌های گفتمان‌های حاکم بر نظام اجتماعی هستند، به دنبال رهایی از این بی‌قراری و خلق یک عینیت اجتماعی جدیدند. اسطوره تنها تقاضاهای یک گروه یا طبقه خاص از جامعه را نمایندگی می‌کنند و این برای هژمونیک شدن کافی نیست، بنابراین اسطوره باید به تصور اجتماعی بدل شود. تصور اجتماعی بر خلاف اسطوره، همگانی است و بخش‌های گوناگون جامعه را نمایندگی می‌کنند. در واقع، تصور اجتماعی فضای آرمانی خلق شده توسط یک اسطوره است که در میان افراد جامعه به شکلی فراگیر عمومیت یافته است (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۳). بطور خلاصه بر پایه نظریه لاکلا و موفه چهار عامل برای موفقیت یک گفتمان در کسب موقعیت هژمونیک ضرورت دارد. این چهار عامل عبارت‌اند از عاملان سیاسی، دسترسی^۳، اعتبار^۴، طرد و برجسته‌سازی^۵.

۱-۲-۱- عاملان سیاسی

در نظریه لاکلا و موفه، سوژه در شرایط خاص از نوعی استقلال و اختیار برخوردار است. به نظر لاکلا، این مفهوم به حل مشکل دیرین ساختار - کارگزار در علوم اجتماعی کمک می‌کند (Laclau, ۱۹۹۰: ۶۹). به گفته لاکلا از آنجا که گفتمان‌ها و ساختارها هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند و همواره نوعی تزلزل و بحران در آنها وجود وضعیت از جاشدگی که نتیجه تزلزل گفتمان حاکم و ناتوانی آن در هویت دهی به عاملان اجتماعی است، لحظه عاملیت و ظهور سوژه‌های آفریننده است. در این وضعیت است که افراد عاملیت یافته و با گزینش گفتمانی ویژه، در بازسازی امر اجتماعی دخالت می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۲).

۱-۲-۲- دسترسی

یکی از قابلیت‌هایی که امکان هژمونیک شدن را در اختیار یک گفتمان قرار می‌دهد، قابلیت دسترسی آن است. قابلیت دسترسی به معنای آن است که یک گفتمان در شرایط آشفتگی و بی‌نظمی بتواند خود را به عنوان ارمغان آور نظم جدید، در دسترس مردم قرار دهد (Ghajari & Nazari, ۲۰۱۳: ۷۸). برای تبدیل یک اسطوره به تصور اجتماعی علاوه بر نیاز به خلق فضای استعاری، وجود دو شرط دیگر نیز ضروری

^۱. Hegemony

^۲. Dislocation

^۳. Availability

^۴. Credibility

^۵. Field of discursivity

است: نخست باید به مفهوم قابلیت دسترسی اشاره کرد که خود دو جنبه دارد: اول اینکه ادبیات و مفاهیم آن گفتمان ساده و همه فهم باشد یا دست کم به زبان ساده و همه فهم بیان شود، دوم اینکه آن گفتمان در شرایطی در دسترس افکار عمومی قرار گیرد که هیچ گفتمان دیگری به عنوان رقیب و بدیل به شکل هژمونیک در عرصه رقابت حضور نداشته باشد (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۶).

۳-۲-۱- اعتبار

قابلیت اعتبار یعنی سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه است. همواره در تمام جوامع اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت هستند. به عنوان نمونه، مذهب در ایران همواره یک اصل عام و معیار اعتبار بوده و گفتمان‌هایی که ضدیت با مذهب را در پیش گرفته اند، اعتبار خود را از دست داده و از جانب مردم طرد شده اند (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ۳۸).

۴-۲-۱- طرد و برجسته سازی

یکی دیگر از عواملی که در هژمونیک شدن گفتمان مؤثر است، مفهوم طرد و برجسته سازی است. طرد و برجسته‌سازی مکانیسمی است که به وسیله آن «ما» برجسته شده و «آنها» به حاشیه رانده می‌شود. در واقع هویت‌های گفتمانی به واسطه غیریت‌سازی و غیریت‌ها نیز با استفاده از مکانیسم طرد و برجسته سازی شکل می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

۳-۱- گفتمان به مثابه روش

از آنجا که ارتباط زیادی بین نظریه و روش وجود دارد می‌توان از جنبه‌های روشی نظریه گفتمان سخن گفت. در واقع گفتمان روشی است که می‌تواند با ویژگی‌های خاص خود، محققان علوم اجتماعی را در سامان دادن پژوهش‌ها با این رهیافت یاری نماید. در مجموع روش گام به گام و پنج مرحله‌ای برای گفتمان به مثابه روش ارائه شده است. شناسایی فضای تخصیص، تعیین زمان و مکان، منازعات معنایی و تحولات اجتماعی، معنا و متن در تحلیل گفتمان و ارتباط متن و معنا با کردارهای اجتماعی (حقیقت، ۱۳۸۵: ۶۲۵). بطور خلاصه برای بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان در هر تحقیقی، بایستی عناصری همچون قدرت، مفصل بندی، هویت، ضدیت، دگرسازی و ایدولوژی را مورد توجه قرار داد (حسینی فر و امیری، ۱۳۹۳: ۶۵).

۲-۲- بحث و بررسی و چگونگی شکل‌گیری گفتمان اعتدال

گفتمان عدالت محور با استفاده از عناصر و مفاهیمی همچون عدالت، انقلابی و مردمی بودن، ولایت مداری، اصلاح ساختارهای جهانی، نفی سلطه و استکبارستیزی و... توانست خود را در دهه چهارم انقلاب به گفتمان غالب در عرصه سیاسی کشور تبدیل کند. این گفتمان بر خلاف گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات که بر چند جانبه‌گرایی و تنش‌زدایی تاکید می‌کردند با برجسته‌سازی مفهوم استکبارستیزی و نفی سلطه به پرونده هسته‌ای ورود و مذاکرات طولانی و فرسایشی با قدرتهای جهانی جهت حل و فصل این مناقشه را آغاز کرد. از نظر محمود احمدی نژاد نظام سلطه بعد از جنگ جهانی دوم در مناسبات بین‌الملل ایجاد شده و خود را بر سایر کشورها و ملت‌ها تحمیل کرده است. چنانچه می‌گوید: «برخی قدرتهای بزرگ همچنان رفتار پیروزمندان در جنگ جهانی را دارند و سایر دولتها و ملتها، حتی آنان که در جنگ هیچ مشارکت و دخالتی نداشته‌اند را شکست خوردگان جنگ به حساب می‌آورند و از موضع ارباب و رعیتی، ملت‌ها را تحقیر و از آنان باج خواهی می‌کنند. برای خودشان حقوق برتر قائلند و در برابر هیچ سازمان و مرجع بین‌المللی

پاسخگو نیستند.» (احمدی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۴) همین رفتار سلطه‌آمیز کشورهای قدرتمند جهان، باعث گردید محمود احمدی نژاد نگاه بدبینانه‌ای نسبت به سازمان‌های بین‌المللی داشته و خواهان اصلاح آنها باشد. چنانچه می‌گوید: «سازمان‌ها و ساز و کارهای موجود فاقد ظرفیت و توانمندی لازم برای حل مشکلات، رفع چالش‌ها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و برادری و امنیت هستند.» (simbar and Other, ۲۰۱۰: ۲۲) «تا وقتی که این نهادها نتواند به نمایندگی از کل جامعه بین‌المللی و به طور شفاف، عادلانه و دموکراتیک اقدام کند، نه مشروع خواهد بود و نه کارآمد. تا زمانی این ساختار اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بی‌عدالتی، ظلم و زورگویی در جهان ریشه کن شود و یا گسترش نیابد. امروزه اصلاحات جدی در ساختار شورای امنیت بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است.» (Tavana and other, ۲۰۱۴: ۶۵). بیان این سخنان از سوی رئیس دولت عدالت محور باعث گردید رقباء و مخالفین این اظهارات را غیر واقع‌گرا، شعارزدگی در سیاست خارجی و خلاف منافع ملی عنوان کنند.

به طور کلی ایستادگی ایران بر اصول و اصرار بر حق مسلم خود در برنامه‌ای هسته‌ای و عدم اعتماد و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های جهانی باعث اجماع قدرت‌های جهانی بر علیه ایران شد. و تحریم‌های سنگینی از طرف این قدرت‌ها علیه ایران اعمال گردید و قطعنامه‌های متعددی توسط سازمان ملل برای تحریم ایران صادر گردید. بی‌ثباتی بازار، تورم، گرانی، کمبود کالا و خدمات، سردرگمی و ضعف مسئولین در نحوه کنترل و خنثی‌سازی اثرات مخرب تحریم‌ها، و انتقاد مخالفین، که سیاست‌ها و برنامه‌های دولت را همراه با افراط و تفریط می‌دانستند، باعث نارضایتی بخش وسیعی از جامعه و کاهش اعتبار این گفتمان گردید. بنابراین در آستانه انتخابات سال ۱۳۹۲ فضای سیاسی کشور بصورت بسیار گسترده تحت تاثیر سیاست خارجی و مذکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ قرار داشت. مضاف بر اینکه این گفتمان در مسائل دیگری مانند مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی با انتقادهای شدیدی مواجه گردیده بود. در چنین فضایی زمینه برای ظهور سوژه سیاسی جدید فراهم گردید.

۱-۲- عاملیت و سوژه سیاسی گفتمان جدید

چنانچه که گفته شد همواره نوعی تزلزل و بحران در گفتمان‌ها وجود دارد و زمانی که یک گفتمان دچار تزلزل می‌شود و نمی‌تواند به عاملان اجتماعی هویت بدهد، امکان ظهور سوژه سیاسی فراهم می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۵۸). بنابراین عامل سیاسی، کنشگر فردی و اجتماعی است که در موقعیت از جدا شدگی گفتمان‌ها دست به کنش و عمل می‌زند و کنش‌ها و اعمال او در تغییرات گفتمانی تاثیر گذار است (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). بر همین اساس زمانی که گفتمان اصولگرای عدالت-محور با چالش مواجه شد و نظام معنایی و مفصل‌بندی آن دچار فروپاشی گردید و امکان هویت دهی به عاملان سیاسی خود را از دست داد و در قالب سوژه سیاسی و عاملیت سیاسی جدید در فضای سیاسی و اجتماعی ایران ظهور کرد، که از طرف اشخاص و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با استقبال مواجه گردید. در مجموع عاملین سیاسی زیر در شکل‌گیری گفتمان نقش موثری داشتند:

۱-۲-۱- نخبگان سیاسی و شخصیت‌های ذی نفوذ

حسن روحانی عضو جامعه روحانیت مبارز تهران، از اوایل انقلاب سمت‌ها و مناصب مختلف حکومتی همچون نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای در دولت خاتمی را برعهده داشته است. بنابراین فردی شناخته شده در عرصه سیاسی ایران بود، که با حمایت شخصیت با نفوذ و تاثیری‌گذاری همچون اکبر هاشمی رفسنجانی توانست هسته‌های اولیه گفتمان را تشکیل دهد. چرا که سابقه

اعتدال و اعتدال‌گرایی به دولت‌سازندگی بر می‌گردد. هاشمی رفسنجانی اعتدال را مرام و سیاست ورزی مقبول دانسته، از کشمکش‌ها و تنش‌های سیاسی که باعث ائتلاف وقت است اظهار نارضایتی می‌کرد (پروانه، ۱۳۹۴: ۹۱). همین نگاه باعث حمایت ایشان از گفتمان اعتدال در سال ۱۳۹۲ گردید چنانچه در این باره می‌گوید: «مقصد اعتدال، واقع‌گرایی اسلامی است. در واقع‌گرایی اسلامی نه اسلام فراموش می‌شود و نه آرمان‌ها. در مسیر واقع‌گرایی اسلامی آرمان‌های ما هم اسلامی‌تر می‌شوند و هم واقع‌بینانه‌تر. جامعه ایران به مرور زمان به سمت اعتدال حرکت خواهد کرد. همواره افرادی تندرو در دو سوی جریان‌های سیاسی باقی خواهند ماند ولی به مرور زمان از تعداد آن‌ها کاسته خواهد شد تا عده قلبی که خود را تنها می‌بینند.» (هاشمی، ۱۳۹۲/۰۵/۱۹). سید محمد خاتمی و علی اکبر ناطق نوری از دیگر شخصیت‌های بانفوذی بودند که به عنوان عاملان سیاسی نقش موثری در به حاشیه راندن گفتمان رقیب و شکل‌گیری گفتمان اعتدال داشته‌اند.

۲-۱-۲- جریان‌های سیاسی

جریان‌های سیاسی همچون حزب اعتدال و توسعه، حزب کارگزاران سازندگی و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب (بعد از کناره‌گیری آقای عارف کاندیداهای اصلاح‌طلبان) و اصول‌گرایان میانه رو از عوامل موثری بودند که در شکل‌گیری گفتمان اعتدال نقش موثری داشتند.

در مجموع، روحانی توانست با توجه به سابقه و موقعیت و جایگاه خود و بیان این مطلب که: «اگر مشکلات کشور راه حل نداشت هرگز کاندید نمی‌شدم». به عنوان سوژه سیاسی جدید در عرصه سیاسی کشور ظهور نماید و با دامن زدن به تنش‌های گفتمان مسلط و نقاط ضعف آن، رقباء و مخالفین گفتمان مسلط اعم از چهره‌های سرشناس و گروه‌های سیاسی و مخالف وضع موجود را به دور خود جمع نماید تا زمینه را برای مفصل‌بندی جدید و شکل‌گیری گفتمان اعتدال فراهم نماید.

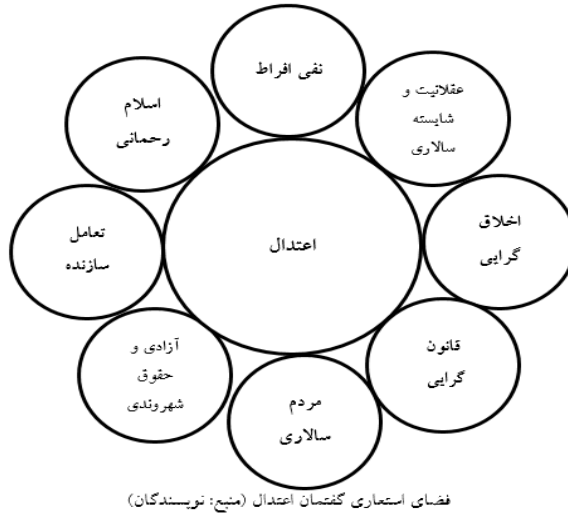
۲-۲- مفصل‌بندی گفتمان اعتدال

مبحث اعتدال گر چه در آثار ارسطو به کمال خود می‌رسد، ولی ریشه اصلی آن را بایستی در آثار افلاطون جست. ارسطو که قاعده اعتدال را مطرح می‌کند و می‌گوید ما همیشه باید سعی کنیم حد وسط و اعتدال را انتخاب کنیم. وی قاعده اعتدال خود را چنین تعریف می‌کند: «فضیلت از لحاظ ماهیت و تعریف، حد وسط است» (اترک، ۱۳۹۳: ۱۳۴). به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می‌باشد.

اعتدال عنصر مرکزی گفتمان جدید را تشکیل می‌دهد که با ورود حسن روحانی به انتخاب ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ این مفهوم وارد ادبیات سیاسی کشور گردید. وی بر این عقیده بود که برای حل مشکلات کشور در زمینه‌های مختلف داخلی و خارجی بایستی در مسیر و خط اعتدال و به دور از افراط و تفریط حرکت کرد. چنانچه در مورد اعتدال می‌گوید: «تفکر اسلامی و شیعی بر اساس عدل و اعتدال است. جامعه ما هم باید با مفهوم عدل و اعتدال بیشتر آشنا شود، زیرا اعتدال هم روش و هم راه است، اعتدال هم مسیر و هم مقصد است.» (روحانی، ۹۲/۰۶/۲۴). بدین ترتیب تأکید روحانی بر روی مفهوم اعتدال قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ باعث گردید که این واژه به عنصر اصلی و یا دال مرکزی گفتمان جدید تبدیل شود.

روحانی پس از تعیین مفهوم اعتدال به عنوان دال مرکزی یا گره‌گاه گفتمان اعتدال برای تعیین دال‌های شناور این گفتمان می‌گوید «اعتدال بدون عقلانیت، فاصله گرفتن است. شعار، بدون علم‌گرایی و استفاده از

تجربه بشری، بدون تحول‌گرایی در کنار ثبات و آرامش، بدون آرمان‌گرایی در کنار واقع‌گرایی و بدون اخلاق و آداب و سعه صدر و آزادی امکان‌پذیر نیست» (روحانی، ۱۳۹۲). در مجموع روحانی با جمع کردن عناصری همچون مردم‌سالاری و آزادی، حقوق‌شهروندی، اخلاق‌گرایی، قانون‌گرایی، عقلانیت و شایسته‌سالاری، اسلام‌رحمانی، نفی افراط، آرمان‌گرایی واقع‌بین و تعامل‌سازنده، حوال دال مرکزی اقدام به مفصل‌بندی گفتمان اعتدال کرد. شکل زیر:



۳-۲- غیریت‌سازی و دگرسازی

گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه اجتماعی خاص خود است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آنها جملگی به این نکته بستگی دارند که توسط چه کسی، کی، کجا و چگونه، له یا علیه چیزی یا کسی صورت گرفته‌اند (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۱۳۶). با توجه به متن گفتارها و سخنرانی‌های روحانی، می‌توان به این موضوع پی برد. در مجموع این گفتارها حول موضوع افراط‌گرایی بیان می‌شوند. ایشان کسانی که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مدیریت اداره کشور را در دست داشته‌اند و حامیان آنها را تحت عنوان *افراطی‌ها* نام می‌برد و می‌گوید: «من با کار کردن با جناح‌ها که اسمشان اصولگرا و اصلاح‌طلب است مشکلی ندارم. من با افراطیون مشکل دارم و با آنها که در خط اعتدال نیستند میانه‌ای ندارم. به خاطر همین آمدم تا خط اعتدال را جایگزین خط افراط کنم چرا که خط افراط همیشه برای ما مشکل‌آفرین بوده است.» (روحانی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۳). بدین ترتیب روحانی با کشیدن خط اعتدال اقدام به مرزبندی می‌کند، گروه‌های اصلاح‌طلب، اصولگرا، میانه‌رو و معتدل را در دایره خودی قرار داده و آنها را «مای» خود تعریف می‌کند، و در مقابل افراد و گروه‌های تندرو و افراطی را در مقابل خود قرار داده و آنها را خارج از دایره خود قرار می‌دهد و می‌گوید: «اگر کسانی می‌خواهند راه هشت سال گذشته ادامه یابد، به من رای ندهند.» (روحانی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۲). به این ترتیب روحانی با غیریت‌سازی که همان افراطی‌ها هستند سعی در کامل نمودن هویت گفتمان اعتدال دارد، به این دلیل که شرایط وجودی یک گفتمان وابسته به دیگری است.

۴-۲- طرد و برجسته‌سازی

در ادامه روحانی طی فرایند طرد و برجسته‌سازی، تلاش کرد تا نقاط ضعف گفتمان مسلط را همچون تحریم، انزوای جهانی، کاهش ارزش پول ملی و ... را برجسته و با تاکید بر نقاط قوت خود همچون

قانونگرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت، تعامل سازنده و ... زمینه لازم برای از جدا شدگی گفتمان مسلط را فراهم نماید. و با استفاده از نماد کلید خود را حلال مشکلات کشور معرفی کند تا در سطح جامعه دسترسی و اعتبار لازم برای حل مشکلات کشور و توان پاسخگویی به تقاضاهای مردم را بدست آورد و زمینه شکل‌گیری گفتمان اعتدال و جایگزینی آن بجای گفتمان مسلط را فراهم آورد.

۳- دلایل عدم هژمون شدن گفتمان اعتدال

اگر چه گفتمان اعتدال در ابتدای شکل‌گیری خود با تاکید بر نشانه‌هایی همچون تعامل سازنده به جهان، لغو تحریم‌ها و رونق اقتصادی، توانست بر گفتمان مسلط پیروز شود، اما در ادامه سیاست‌ها و عملکرد دولت در مسائل خارجی و داخلی، زمینه ضعف این گفتمان را فراهم کرد. در سیاست خارجی مسائلی همچون پایبند نبودن کشورهای غربی به برجام، به خصوص خروج یک طرفه آمریکا از برجام و برگشت تحریم‌ها و اضافه شدن تحریم‌های شدیدتر جدید به تحریم‌های قبلی و در مسائل داخلی شرایط سخت اقتصادی بطوری که معشیت مردم دچار آسیب جدی گردید. ضعف مدیریت، عدم انسجام و برنامه مشخص در دولت برای رفع مشکلات اقتصادی، ضعف در کنترل و خنثی‌سازی تحریم‌ها، کاهش حمایت گروه‌های حامی از دولت، انتقادهای مخالفین علیه دولت، از عواملی بود که باعث گردید که فاصله بین فضای آرمانی گفتمان اعتدال و فضای اجتماعی موجود افزایش پیدا کند، به طوری که اعتبار خود را در سطح جامعه و کشور از دست بدهد و زمینه افول این گفتمان فراهم شود. چنانچه در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه ۱۳۹۸ علاوه بر کاهش مشارکت مردم در انتخابات، اکثریت مجلس در دست رقبای دولت قرار گرفت تا شرایط تزلزل گفتمان اعتدال را هموارتر نماید. در ادامه دلایل تزلزل و عدم هژمون شدن گفتمان اعتدال بررسی خواهد شد.

۳-۱- عدم ایجاد زنجیره هم ارزی

مفصل‌بندی قراردادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر است که به طور طبیعی در کنار هم قرار ندارد. براساس نظریه گفتمان لاکلا مفصل‌بندی عبارت است از؛ تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. از این رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی)، شکل می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۸). روحانی به عنوان سوژه سیاسی جدید در شرایط تزلزل گفتمان رقیب با حمایت اشخاص و چهره‌های سرشناسی همچون اکبر هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و علی اکبر ناطق نوری به همراه گروه‌های و جناح‌های مختلفی همچون حزب کارگزاران سازندگی، گروهی اصلاح طلب و اصولگرا، اقدام به ایجاد جریانی جدید از میان گروه‌های سیاسی فوق نمود. گروه‌ها و جناح‌هایی با دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلف و متضاد که ریشه شکل‌گیری آنها به اوایل انقلاب اسلامی بر می‌گردد.

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی با ایدئولوژی‌ها و نظریه‌های سیاسی متفاوت در فضای سیاسی ایران ظاهر شدند که در چهار گروه قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. احزاب و گروه‌های هوادار سوسیالیسم، احزاب و گروه‌های سکولار و لیبرال متعلق به طبقه متوسط جدید، گروه‌های اسلامگرای رادیکال مربوط به طبقه روشنفکران و تحصیلکردگان، احزاب غیرلیبرال و اسلامگرایی متعلق به روحانیت سیاسی یا گروه‌های راست‌گرای مذهبی (پناهی و امینی، ۱۳۹۲: ۴۲). در این میان گروه‌های مذهبی با دارا بودن گستره وسیعی از افراد تأثیرگذار و اطاعت و حمایت از رهبری نهضت توانستند در عرصه سیاسی کشور به عنوان تأثیرگذارترین گروه سیاسی حضور یابد (بهروز لک و صفایی‌زاده، ۱۳۸۹:

۱۳۵). در مجموع گروه‌های مذهبی با داشتن کادر رهبری قوی، و پایگاه اجتماعی وسیع در سطح جامعه توانستند از طریق بسیج و سازماندهی نیروهای انقلاب، در برابر گروه‌های مخالف خود به پیروزی برسند. آنها هویت خود را در برابر دشمنی شکل داده بودند که خصلتی سکولار و غیر اسلامی داشت. از این رو، نظام آن به گونه‌ای شکل گرفت که در نقطه مقابل سکولاریسم بود. در نتیجه نظام معنایی نیروهای مذهبی حول دال اسلامیت و با مفصل‌بندی دال‌های ولایت، روحانیت و فقه شکل گرفت (حقیقت، ۱۳۸۵: ۶۴۷). جامعه روحانیت مبارز اصلی‌ترین گروه‌های مذهبی را تشکیل می‌داد که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعدادی از بزرگان آن با مشورت امام خمینی (ره) حزب جمهوری اسلامی را به منظور حفظ و پاسداری از انقلاب و مبارزه با استبداد و ضد انقلاب راه انداختند. اما با گذشت زمان، اعضاء و کادر این حزب دچار اختلاف شدند. ابتدا در قالب دو طیف طرفداران اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی در مقابل هم قرار گرفتند و در ادامه اختلافات به بحث ولایت مطلقه فقیه و اختیارات رهبری کشیده شد و زمینه توقف فعالیت این حزب را فراهم کرد. با توقف این حزب دامنه اختلافات به دورن جامعه روحانیت مبارز کشیده شد و در نتیجه دچار انشعاب گردید و تشکل جدیدی به نام مجمع روحانیون مبارز تهران پا به عرصه سیاسی کشور گذاشت (سلیمی بنی و مظفری، ۱۳۹۲: ۵۱-۴۸). که رقابت با جامعه روحانیت مبارز را آغاز کرد.

جریان مشهور به راست سنتی به رهبری جامعه روحانیت مبارز تهران توانست اکثریت مجلس چهارم، پنجم و ششم مهمی در کابینه‌های بعد از انقلاب و دیگر مدیریت‌های اجرایی کشور داشته باشد. این نیروی سیاسی به طور تاریخی در اتحادی راهبردی با بازار فعالیت می‌کرد که در طبقه‌بندی‌های جامعه شناسی سیاسی به طبقه متوسط قدیم تعلق دارد، شعارهای سیاسی و اقتصادی آن‌ها برگرفته از فقه سنتی شیعه بود (کولائی و مزارعی، ۱۳۹۴: ۴۱۵). اعتقاد به جامعیت اسلام و نفی سکولاریسم، تلاش برای تحقق ارزش‌ها و اصول اسلامی در جامعه، پیشگامی در مبارزه با استبداد، استعمار و استکبار، دفاع و تبعیت از مرجعیت تقلید شیعه و ولایت مطلقه (عام) فقیه، مبتنی بودن مواضع سیاسی بر مبنای دینی و استنباطات شرعی از جمله ویژگی‌های این جریان می‌باشد (سلیمی بنی و مظفری، ۱۳۹۱: ۲۶۴). با حمایت جامعه روحانیت مبارز از ابتدای دهه هشتاد گروه‌های اصول‌گرا شکل گرفتند که توانستند در مجلس هفتم، هشتم و نهم اکثریت مجلس را بدست بگیرند. در بین این گروه‌ها، بعضی از اصولگرایان میانه رو از حامیان حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بودند.

مجمع روحانیون مبارز از گروه‌های حامی دکتر روحانی در شکل‌گیری گفتمان اعتدال بود. این مجمع یک تشکل روحانی است، که در آستانه سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در فروردین ۱۳۶۷ اعلام موجودیت کرد و بحث بر سر لیست نامزدهای جامعه روحانیت مبارز در شورای مرکزی، اختلاف بین دو گرایش این جامعه را به اوج رساند و زمینه انشعاب در آن را فراهم کرد. این انشعاب با نظر مساعد و تایید امام خمینی صورت گرفت. وحدت دین و سیاست و نفی سکولاریسم، تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) به ویژه درباره اسلام ناب محمدی و طرد اسلام آمریکایی، اسلام نوگرا، روشنفکری دینی و مبارزه با تحجر، دفاع از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت ولی فقیه، عدالت خواهی و اصلاح طلبی، حمایت از محرومان و مستضعفان، استکبار ستیزی و مبارزه با صهیونیسم از مهمترین مبنای فکری مجمع روحانیون مبارز می‌باشد (سلیمی بنی و مظفری، ۱۳۹۲: ۲۷۸).

نخستین گفتمانی که از درون این مجمع روی کار آمد، گفتمان چپ ارزشمدار بود. که بیشتر اعضاء آنرا مجمع روحانیون مبارز تشکیل می‌داند. نشانه‌های این گفتمان را باید حول «حقانیت اسلام، ولایت فقیه و حاکمیت فقه و اصالت روحانیت، عدالت اجتماعی، بازتولید ثروت و دارایی‌ها، اقتصاد دولتی، مردم‌گرایی،

شهادت و ایثار، امت واحده، استکبار ستیزی و غرب ستیزی و آمریکا ستیزی و حمایت از مستضعفین و فلسطین بد بینی به سازمان های جهانی و نگاه به شرق جست. که در این میان میتوان ولایت فقیه و عدالت اجتماعی را دال مرکزی این گفتمان یاد کرد. این گفتمان دگر خود را جریان راست سنتی و یا راست محافظه کار می دانست (خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

گروههای اصلاح طلب از دیگر حامیان روحانی بودند که در اواخر دهه هفتاد با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی یکی از اعضاء مجمع روحانیون مبارز در ایران، گفتمان اصلاحات را شکل دادند. گفتمان اصلاحات با قرار دادن نشانه توسعه سیاسی به عنوان دال مرکزی و عناصر دیگری همچون عقلانیت، مردم سالاری، آزادی بیان، شایسته سالاری، تساهل و مدارا، تنش زدایی و ... اقدام به مفصل بندی جدیدی نمود، و با تشکیل احزاب جدید با ساختار و هویت نو سعی در هژمون کردن خود در کشور داشتند.

حزب سازندگی از دیگر گروه های حامی حسن روحانی است. گفتمان سازندگی محصول این حزب در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی است، در این گفتمان تعدیل و توسعه اقتصاد محور، دال مرکزی را تشکیل می داد و سایر دال ها بر محور آن تثبیت گردید. عنصر اعتدال یکی از این دال ها بود. اعتدال گرایی در رویه دولت سازندگی و به ویژه رئیس آن، در مسائلی همچون ترکیب متوازن کابینه و سهم تقریباً مساوی از هر دو جریان اصلی چپ و راست نمود پیدا می کند. اعتدال گرایی بنیان تنش زدایی در حوزه سیاست، الگوی تعدیل در حوزه اقتصاد و مصلحت گرایی در سیره و نظر رئیس دولت سازندگی بوده است (پروانه، ۱۳۹۴: ۹۱). در کنار این نشانه، نشانه های دیگری چون سازندگی، بازسازی ویرانی های جنگ، مدیریت، علم محور، بهره گیری از نیروهای متخصص و تکنوکرات، خصوصی سازی، رواداری، مصلحت اندیشی، جامعه مدنی و قوانین جهانی و چند جانبه گرایی در مفصل بندی این گفتمان به چشم می خورد. در این میان دگر گفتمان راست اسلامی مدرن را گفتمان چپ اسلامی، راست سنتی و گروه های رادیکال راست و چپ سامان می دادند (خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

در مجموع طرفداران اعتدال طیف وسیعی را شامل می شوند، چنانچه روحانی در این رابطه می گوید: «اعتدال طیف بسیار وسیعی دارد از باورها آغاز می شود تا هنجارها، رفتارها و اعمال ادامه دارد. از مسائل اقتصادی و سیاسی شروع می شود تا مسائل اجتماعی و فرهنگی.» (روحانی، ۹۲/۰۴/۰۸). با توجه به این که گفتمان ها از طریق زنجیره هم ارزی، تفاوت های موجود در میان عناصر را از بین می برند و به نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می کنند. در این معنا، عناصر خصلت های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می کند، منحل می شود. بنابراین، منطبق هم ارزی شرط وجودی هر صورت بندی نو است. چرا که در نتیجه این فرایند تمایزات از طریق مفصل بندی میان دال ها کاهش می یابد و آنان را در برابر غیر منسجم می کند. (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). حسن روحانی به عنوان سوژه سیاسی جدید ابتدا می بایست از طریق زنجیره هم ارزی تفاوت موجود بین حامیان سیاسی خود که طیف بسیار وسیعی از جناح راست سنتی و میانه رو تا جناح چپ سنتی با دیدگاهها و نظریات متفاوت و مختلف که از ابتدای دهه شصت بصورت مکرر با یکدیگر در حال رقابت بودند را به حداقل برساند و نوعی انسجام و وحدت در آنها ایجاد نماید و در قالب مفصل بندی جدید، برای آنها هویت تازه و نو و منسجم تعریف نماید و این امر زمانی اتفاق رخ می داد که این گروه های مختلف نظر و دیدگاه های سیاسی خود را به یکدیگر نزدیک نمایند.

بنابراین گفتمان اعتدال می بایست با خلق عناصر و مفاهیم جدید سعی در ایجاد زنجیره هم ارزی در بین تمام طرفداران خود در بین گروهها و احزاب و در سطح کل جامعه کند، اما در ادامه موفق به خلق مفاهیم

جدید نگردد. این موضوع در نظام معنایی گفتمان اعتدال و دال‌ها و نشانه‌های مربوط به آن به وضوح قابل مشاهده است که بسیاری از این مفاهیم از گفتمان توسعه سیاسی و یا اصلاحات وام گرفته شده است. بنابراین یکی از علل هژمون نشدن عدم وجود فلسفه یا اندیشه نظریه لازم برای پشتوانه گفتمان اعتدال بود تا در چارچوب این پشتوانه نظری امکان خلق مفاهیم جدید و ترکیب و تلفیق عناصر و نشانه‌ها جهت ایجاد مفصل‌بندی و نیز هویت ارتباطی جدید و منسجم فراهم آورد.

۳-۲- ضعف قدرت گفتمان‌سازی

از نظر فوکو شکل‌گیری هر قدرت و جامعه‌ای محصول روابط قدرت است. به این معنا که هر جامعه موجود و هر گفتمان تثبیت شده همواره با سرکوب و طرد غیر ایجاد شده است. برای این که یک معنا برای یک نشانه تثبیت شود، باید تمام معانی اجتماعی دیگر طرد شوند. به هر حال هر گونه تثبیت یا عینیت همراه با روابط قدرت صورت می‌گیرد. بدون قدرت هیچ تثبیت و عینیتی نیست. قدرت برای لاکلا و موفه همانند فوکو شکل مویرگی دارد، و در سرتاسر جامعه پراکنده است. همچنین قدرت پیش شرط هویت و عینیت است؛ و با توجه به اینکه در هر جامعه شکل گرفته‌ای تبلور عینی گفتمان مشخص است. بدون قدرت جامعه یا گفتمان عینیت یافته وجود نخواهد داشت (حقیقت، ۱۳۸۵: ۶۱۹-۶۱۸). بر همین اساس قدرت یکی از عواملی مهمی بود که در فرایند تثبیت گفتمان تاجریسم نقش اساسی داشت. چنانچه، مارگارت تاچر توانست بعد از انتخابات سال ۱۹۵۷ میلادی در انگلستان دست به ایجاد سلطه در حزب محافظه کار بزند و خود را به عنوان احیاءکننده رهبری قدرتمند و دولت قاطع و تصمیم گیرنده معرفی کند، در عین حال توانست توجه خود را به علاقمندی‌های واقعی مردم در کل نیز معطوف دارند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

اگر چه روحانی قبل از انتخابات سال ۱۳۹۲ و در ابتدای ریاست جمهوری خود را به عنوان سوژه و عامل سیاسی که توان و قدرت حل مشکلات کشور را دارد معرفی کرد. اما در ادامه کار، از نداشتن اختیارات لازم صحبت به میان می‌آورد و می‌گوید: «قدرت^۱ و توان دولت به معنای آن است که دولت بتواند در صحنه سخت مدیریت اختیارات لازم را داشته باشد و گرنه کسی که اختیار ندارد چه مسئولیتی می‌خواهد. مسئولیت‌ها منطبق با اختیارات است. دولت باید صاحب قدرت و اختیار داشته باشد. دستگاه نظارت به معنای دخالت نیست بزرگترین ضربه به نظام کشور اشتباه دخالت و نظارت است. اگر روزی به جای نظارت دخالت آمد، ضرر آن را مردم می‌بینند. وقتی دخالت زیاد شد مدیر کار نمی‌کند. نظارت برای این نیست که مانع و سرعت گیر درست کنیم. نظارت برای این نیست که دل مدیر را بلرزانیم. نظارت برای کمک است. دستگاه‌های نظارتی باید به دولت کمک کنند.» (روحانی، ۱۳۹۶/۰۶/۰۶).

نحوه توزیع قدرت در ساختارها و نهادهای جمهوری اسلامی ایران به طوری است که قدرت بین دولت، مجلس، قوه قضایه، نهاد ولایت فقیه، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و گروه‌ها و جناح‌ها و احزاب سیاسی پراکنده است. بنابراین از دیگر دلایل هژمون نشدن، گفتمان اعتدال جمع نشدن قدرت پراکنده در سطح کشور در اختیار سوژه سیاسی پس از پیروزی و شکل‌گیری اولیه گفتمان اعتدال است. به طوری که این موضوع باعث گردید روحانی نتواند به عنوان فردی قدرتمند و قاطع قدرت لازم برای تثبیت هویت گفتمان اعتدال را فراهم کند و قادر باشد تمام گروه‌ها و یا بخش‌های طرفدار خود در جامعه را با یکدیگر پیوند دهد و آنها را در قالب یک حزب یا جناح واحد با تشکیلات سخت و منسجم و هویت مشخص، سازماندهی کند تا اهداف خود را پیگیری نماید. علاوه بر این، وجود دال خالی یا

^۱. Power

عدم وجود عنصر «مردم‌گرایی» در گفتمان اعتدال جهت جلب حمایت مردم و جامعه در سطح گسترده تاثیر موثری در تضعیف قدرت گفتمان سازی روحانی داشت.

۳-۳- عدم ایجاد موقعیت‌گذاری

هر گفتمان سیاسی ریشه در فرهنگ سیاسی یک جامعه دارد و فرهنگ سیاسی خود محصول تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازد. فرهنگ سیاسی بر این فرض مبتنی است که نگرشها، احساسات و ادراکات حاکم بر رفتار سیاسی در هر جامعه انبوهی از امور صرفاً تصادفی نیستند، بلکه نمایانگر الگوهای سازگاری هستند که با هم تناسب دارد و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند و به رغم پراکندگی بسیار زیاد در جهت‌گیریهای سیاسی، فرهنگ سیاسی محدود و متمایزی در هر جامعه وجود دارد که به فرآیندهای سیاسی معنا بخشیده و آنرا شکل می‌دهد. از این رو درک هر فرایندی از جمله فرایند بسط و تحول اندیشه‌ها متوقف بر درک گفتمانی است. که آن فرایند در درون آن رخ داده است (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۱۳۶). در شرایط حضور هژمونیک گفتمان‌ها، انسان‌ها در نقش‌ها و موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که گفتمان برای آنها فراهم کرده است. لاکلا و موفه به تبعیت از آلتوسر، این ویژگی را «موقعیت-گذاری»^۱ می‌نامند. اما در شرایط فروپاشی هژمونی گفتمانی امکان اتخاذ تصمیم بیرون از گفتمان‌ها و در مورد آنها برای افراد فراهم شده و در این شرایط فرد به یک عامل اجتماعی و یا سوژه اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین در این نظریه شخصیت فرد سوژه تکه تکه تصور می‌شود نه یکپارچه (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۵۸). به همین دلیل پس از شکل‌گیری گفتمان اعتدال سوژه سیاسی آن در موقعیت و نقش خود قرار نمی‌گیرد و شاهد اظهارات متناقض و خارج از اعتدال از طرف سوژه سیاسی هستیم، که در نشانه زیر دیده می‌شود.

اگر در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد باشد، در سیاست خارجی نیز بر همین اساس، اعتدال به معنای نفی و پرهیز از گفتمان‌های سیاسی افراطی و تفریطی تعریف می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵). چنانچه روحانی در این مورد می‌گوید: «اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست» (قوام و فریدن، ۱۳۹۷: ۱۸۱). آرمانخواهی واقع‌بینانه، بدین معنا که در کنار حفظ و پایبندی به ارزش‌ها و آرمان‌های عالی (اسلامی- انقلابی) جمهوری اسلامی، می‌بایست نگاه واقع‌بینانه به جهان پیرامونی داشت و بر همین مبنا تصمیم‌سازی نمود. در حقیقت نوعی همزیستی بین این دو بینش حاکم است، که حضور یکی به معنای حذف دیگری نمی‌باشد (امیری، ۱۳۹۵: ۳۹). از این رو، واقع‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی قرار نمی‌گیرد، بلکه مکمل آن بوده و در برابر آرمان‌گرایی تخیلی و توهمی قرار دارد. همچنین واقع‌بینی به مثابه غفلت از آرمان‌ها و ارزش‌ها نیست، بلکه متضمن آرمان‌خواهی و پیگیری عاقلانه و واقع‌بینانه آرمان‌ها و ارزش‌هاست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۵).

یک سیاستمدار واقع‌بین و آرمان‌گرا باید اهداف و آرمان‌های خود را با در نظر گرفتن واقعیت‌های در جهت ایده‌آل خود، تعیین و برای دست‌یابی به آنها امکانات و محدودیت‌های به کارگیری ابزار و شیوه‌ها را خوب بشاند (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۳۷). جهان‌گرایی اسلامی، سلطه‌ستیزی، حق طلبی، عدالت خواهی، عزت طلبی، استقلال طلبی و ... مهمترین ارزش‌های هستند که بر مبنای آرمان‌گرایی در سیاست خارجی پیگیری می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۵). روحانی در سخنرانی‌های خود بر این ارزش‌ها تاکید دارد: «در سیاست

^۱ . Interpellation

خارجی، یک پایه ظلم ستیزی، تجاوز ستیزی، استقامت و ایستادگی، استقلال و پایه دیگر، تعامل موثر و سازنده با جهان است» (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی و استقامت و ایستادگی در برابر زیاده خواهان و دفاع از مظلومان و مستضعفان جزء لاینفک آرمان‌های انقلاب اسلامی است که ریشه در فرهنگ تشیع و عاشورا دارد و مورد تایید گفتمان اعتدال قرار گرفته است. اما در بحبوحه‌ی مذاکرات هسته‌ای، روحانی به منظور پیشبرد مذاکرات با چرخش زبانی با طرح این موضوع که: «عاشورا و کربلا درس مذاکره و تعامل سازنده بود است.» (روحانی، ۱۳۹۳/۰۶/۳۰). از نقش و موقعیت خود خارج شده و بیرون از گفتمان اعتدال قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است که با استفاده از تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، چگونگی شکل‌گیری اولیه گفتمان اعتدال مورد بررسی قرار گیرد. و به این پرسش پاسخ داده شود که چرا این گفتمان نتوانست پس از شکل‌گیری اولیه به عنوان یک گفتمان مسلط در کشور تثبیت گردد، و دچار ضعف و تزلزل شد. شکل‌گیری اولیه این گفتمان محصول تزلزل در گفتمان مسلط و رقیب و همزمان با آن ظهور سوژه سیاسی جدید در عرصه سیاسی کشور بود، که توانست در یک حرکت استراتژیک از «راست به چپ» حمایت‌نخبگان و گروه‌های سیاسی مخالف گفتمان رقیب را بدست آورد. در ادامه این گفتمان به دلیل فقدان چارچوب نظری مشخص توانایی خلق مفاهیم جدید و مفصل‌بندی جدید و ایجاد هویت تازه و صورت‌بندی دانایی در بین عناصر و نشانه‌های مختلف و گاه متضاد برآمده از گروه‌های سیاسی مختلف مورد حمایت خود که طیف وسیع سیاسی از جناح راست تا جناح چپ را شامل می‌شدند را نداشت. عدم ایجاد هویت جدید ناشی از فقدان چارچوب نظری مشخص در کنار ضعف قدرت گفتمان سازی باعث کاهش اعتبار و کاهش حامیان گفتمان اعتدال در سطح گروه‌ها و احزاب و جامعه گردید و زمینه تزلزل و افول گفتمان اعتدال را فراهم کرد. بنابراین گفتمان اعتدال بیشتر از نوع سلبی و حاصل رقیب‌هراسی و طرد و به حاشیه راندن رقیب بود. در شرایط فعلی که دیگر گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا نیز منفعل و به حاشیه رانده شده‌اند، هر گفتمانی که از نوع ایجابی و حاصل برنامه‌ریزی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از پیش تعیین شده باشد، و بتواند قدرت پراکنده موجود در جامعه را در خود متمرکز کند و با خلق مفاهیم جدید و مفصل‌بندی بین مفاهیم و عناصر جدید با ایجاد هویت تازه، قابلیت دسترسی خود در جامعه بالا برده و به بحران‌ها و تقاضاهای اجتماعی پاسخ دهد به طوری که فاصله بین فضای آرمانی گفتمانی و فضای اجتماعی موجود را کم نماید. توانایی هژمون شدن در عرصه سیاسی کشور را دارد. در غیر این صورت تکرار هر گونه حرکت استراتژیک که هدف آن فقط به حاشیه راندن رقیب و یا ایجاد فضای تنفسی باشد منجر به هژمون گفتمان نمی‌شود.

منابع

آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم، (۱۳۹۵)، «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹. صص ۷۳-۴۳.

- احمدی نژاد، محمود، (۱۳۸۹)، *تجلی گفتمان عدالت و معنویت در مدیریت جهانی*، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری نشر جمهور ایران.
- اشرف نظری، علی (۱۳۸۷)، «تبیین مفهوم هویت از چشم انداز گفتمانی»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۱۷، شماره ۴۹، صص: ۱۸۰-۱۶۳.
- اترک، حسین، (۱۳۹۳)، «سیر تطور نظریه اعتدال در اخلاق اسلامی، نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، سال ۸، شماره ۱۴، صص ۱۴۷-۱۳۱.
- بهروزلک، غلامرضا و صفایی زاده، مرضیه، (۱۳۸۹)، «جریان‌شناسی تحولات سیاسی-فکری در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۶۴-۱۳۳
- جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد، (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۴۷-۲۳.
- پروانه، محمود، (۱۳۹۴)، «نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (ره)»، *فصلنامه اندیشه ولایت*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۹-۸۷.
- پناهی، محمد حسن و امینی، سعیده، (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۵۸-۲۸.
- حسنی‌فر، عبدالرحمن و امیری پریان، فاطمه، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه روش»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۷-۴۹.
- حسینی‌زاده، سید محمد علی، (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۲۱۲-۱۸۱.
- حقیقت، صادق. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق، (۱۳۸۹)، «مسئله ساختار/کارگزار در علوم اجتماعی»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۶، شماره ۶۵-۶۵، صص: ۱۶۶-۱۴۷.
- خرمشاد، محمدباقر، جمالی، جواد، (۱۳۹۷)، «امریسیسی و گفتمان های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۵۴، صص: ۱۸۴-۱۶۵.
- خلجی، عباس (۱۳۸۶)، «ناسازه های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی (۱۳۷۶:۸۴)» *پایان نامه دکتری علوم سیاسی*، دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، (۱۳۹۳)، «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۸، شماره ۱، صص ۳۹-۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطائی، مهدی، (۱۳۹۳)، «گفتمان سیاست هسته‌ای دولت یازدهم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پ شماره ۶۳، صص ۱۲۰-۸۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطائی، مهدی، (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت احمدی-نژاد»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال ۴، شماره ۱، صص ۵۸-۲۲.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۷۸)، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی امام خمینی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۳۵۶-۳۲۸.

روحانی، حسن، (۱۳۹۱)، «گفتمان امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۵.

سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی، تهران، نشر نی.

سلیمی بنی، صادق و مظفری، آیت، (۱۳۹۲)، مجمع روحانیون مبارز، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.

سلیمی بنی، صادق و مظفری، آیت، (۱۳۹۱)، جامعه روحانیت مبارز، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.

قوام، عبدالعلی و فریدون حسین، (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی، مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۷۷.

کسرابی، محمد سالار و پوزش شیرازی، (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۳۶۰-۳۳۹.

مقدمی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل لاکلا و موفه و نقد آن»، فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، صص: ۱۲۴-۹۱.

کولائی، الهه و مزارعی، یوسف، (۱۳۹۴)، «نوسازی و تحزب، مطالعه موردی: دولت هاشمی رفسنجانی» فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۲، صص ۴۲۱-۴۰۳.

نش، کنت، (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر.

هوارث، دیوید، (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی سال اول، شماره دوم، صص: ۱۸۳-۱۵۶.

منابع اینترنتی

روحانی، سخنرانی دکتر روحانی ۱۳۹۲/۰۲/۱۲.

روحانی، سخنرانی روحانی ۱۳۹۲/۰۴/۰۸.

روحانی، سخنرانی دکتر روحانی در دیدار جمعی از علماء و روحانیون ۱۳۹۲/۰۶/۲۴.

روحانی، سخنرانی روحانی در ۱۳۹۳/۰۳/۲۲.

روحانی، سخنرانی در یاواره شهید رجایی ۱۳۹۸/۰۶/۰۶.

هاشمی رفسنجانی، مصاحبه شرح اعتدال، ۱۳۹۲/۰۵/۱۹.

منابع خارجی

Alemi, Minoos and Tajeddin, Zia and Rajabi Kondlaj, Amin, (۲۰۱۸), A Discourse-Historical Analysis of Two Iranian Presidents' Speeches at the UN General Assembly, International Journal of Society, Cul ture & Language, ۶(۱), ۲۰۱۸

De-Vos, (۲۰۰۳), "Discourse theory and the study of ideological (trance) - formation: analyzing social democratic revisionism". in **journal of pragmatics**.

Ghajari, h., & Nazari, J. (۲۰۱۳) *Application of discourse analysis in social research*. Tehran: Jameh Shenasan. (in Persian)

Hansen, Lene (۲۰۰۶), *Security as Practice Discourse Analysis and the Bosnian War*, New York: Routledge.

Jorgensen, M & Phillips, L. (۲۰۰۲). **Discourse Analysis as Theory and Method**. London: Sage Publications.

Laclau, E. (۱۹۹۰). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.

Laclau, Ernesto, Mouffe, Chantal (۱۹۸۵). *Hegemony and Socialist strategy: Towards A Radical Democratic Politics*, London, Verso.

Moshirzadeh, Homeira, (۲۰۰۷), "Discursive Foundation of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, ۳۸(۴).

Van dijk, Teun A. (۱۹۹۸); "Social cognition and discourse", in H. Giles & R. P. Robinson, *Hand book of social psychology and language*, pp. ۱۶۳-۱۸۳.

Simbar, Reza and Ghorbani Sheikhneshin, Arsalan, (۲۰۱۰), "Intellectual Bases and Practical Policy of the Iranian ۹th Government in International Relations", *Journal of International and Area Studies* Volume ۱۷, Number ۱, ۲۰۱۰, pp. ۱۷-۳۰

Tavana, Mohammad Ali and Rahmani, Tooraj and Eslami, Hamed, (۲۰۱۴), "Analysis of Ahmadinejad Government's Foreign Policy According to the Critical Theory of International Relations", *International Journal of Political*, Vol. ۴, No ۸, Winter ۲۰۱۴, (pp. ۵۵-۷۱)